



یکی از ابزارهای
هالیوود برای خلق
قهرمان خلق ناجی
است اما چگونه
مخاطب می‌تواند
باور کند که این
سربازان در عراق
واقعاً در حال
نجات دادن چیزی
هستند؟ اصلاً آنها
چه چیزی را نجات
می‌دهند؟

دیگر هم در فیلم تکرار می‌شود اما آنچه در نهایت اثبات می‌شود عدم پشیمانی از آنهاست و افتخار بهشان. تنها پشیمانی او ناتوانی اش در نجات دادن تعداد افراد بیشتری است، و اینجاست که فضای ایدئولوژیک اثر و ذات پروپاگاندایی آن جلوه گرمی شود. شعار سربازان ارتش آمریکا به عنوان ایدئولوژی این اثر غالب می‌شود و هرگز کوچکترین تردیدی در آن وارد نمی‌شود: «خدا، وطن، خانواده». معمولاً وقتی یک ایدئولوژی به چالش کشیده می‌شود و در نهایت مجدداً اثبات می‌شود قدرتمندانه‌تر در یک اثر بروز پیدا می‌کند اما این فیلم هرگز این کار را نمی‌کند. فیلمساز هرگز حقانیت این شعار را سؤال نمی‌برد و تعارض عناصرش را با هم بیان نمی‌کند (البته بجز کمی خرده پیرنگ دوری کایل از خانواده اش). خدا برای کایل که از کودکی